



## فینچر و هفت: سیزده سال پیش

اختیار نداشتیم. بنابراین به مرکز اصلی لس آنجلس قناعت کردیم. دلیل این بود در سراسر فیلم باران می‌بارد این بود که براد پست را فقط ۵۵ روز در اختیار داشتیم. می‌دانستیم اگر طی فیلمبرداری باران نیارد و ما این قضیه را در سایر صحنه‌ها ندانسته باشیم، کارمان ساخته است. بنابراین خودمان از ابتدا به باران روی آوردیم.»

فینچر در مورد انگلی که به خاطر خشونت فراوان به فیلم زده‌اند می‌گوید: «هرگز فکر نمی‌کردم اثر خشونت‌باری می‌سازم. خشونت این فیلم روان‌شناسانه و ذهنی است. نمی‌خواستیم مردم پس از تماشای آن بگویند این خشن‌ترین فیلمی است که دیده‌ایم. طبعی اولین نمایش فیلم در نیویورک دریافت تماشاگران می‌خوب شده‌اند، ولی تصور نمی‌کردم آن‌ها فیلم را خشونت‌بار بخوانند. سپس مایکل مدوود منتقد سینمایی دست راستی نیویورک کپیست [فیلم را برتافته از ذهنیت اهریمن خواند. اما مطمئن بودم او هم پس از مدتی آرام می‌شود و یا تعجب به هفت می‌اندیشد. مرگ برای همه جذابیت دارد ولی سعی می‌کنند از دغدغه‌اش فرار کنند. می‌خواستیم بگوییم مرگ همیشه در همین نزدیکی است.»

کوچکی از تماشاگران، نمی‌خواستیم با دوربین کارهای عجیب و غریب انجام دهیم. ولی هر بار دوربین را از جمع‌های درمی‌آورید، اوضاع پیچیده می‌شود.» او در مورد همکاری‌اش با داریوش خنجی (فیلم‌بردار هفت) می‌گوید: «با داریوش که حرف زدیم به این نتیجه رسیدیم که فیلمی سریع و ساده بسازیم. با الگوی مجموعه تلویزیونی پلیس‌ها آغاز کردیم؛ این که دوربین چگونه پشت سر پلیس‌ها قرار دارد و حوادث را نشان می‌دهد.»

فینچر در توصیف میرانسن‌هایش می‌گوید: «میرانسن برایم هم‌چیز است. همه قصه همین است. این که در کجاست. پنجره کجاست؟ با داریوش در مورد وجوه روان‌شناسی حرف زدیم و در این مسیر تصمیم گرفتیم به کدام اتاق برویم و پشت کدام در بایستیم. این که آشپزخانه چه ابهتی داشته باشد. ببینید همیشه این امر که خود را جایی محدود کنید اهمیت دارد. نمی‌خواستیم هم‌چیز رو باشد.»

او در مورد بودجه و مکان‌های فیلم‌برداری هفت می‌گوید: «آن را با پانزده میلیون دلار ساختیم، یعنی زیر سقف تعیین شده. می‌خواستیم صحنه‌ها را در اوکلند فیلم‌برداری کنیم، در آن خانه‌های چوبی زیبا، ولی زمان کافی در

«بروگاندا فیلمز» است. فیلم اولش بیگانه ۳ (۱۹۹۲) یا شکست تجاری بزرگی رو به‌رو شد. ولی خیلی‌ها آن را بهترین اثر سال هم خواندند. می‌گوید: «هیچ‌کس پیش‌تر از خودم از بیگانه ۳ متنفر نیست. فیلمی که در ذهن می‌پروراندیم با آن چه ساخته شد و به نمایش درآمد تفاوت‌های بسیاری داشت. مرا برای آن چه در ذهن داشتیم و بسیار شخصی بود به خیمت گرفتند اما به مسیر دیگری انداختند. در حالی که در زندگی‌ام نه دروغ گفته و نه شنیده بودم. حتی بچه که بودم عادت نداشتیم بزرگترها به من دروغ بگویند. بنابراین ترجیح می‌دادم سرطان بگیرم و بمیرم تا این که فیلم دیگری بسازم. سپس فیلمنامه هفت را خواندم و فکر کردم می‌توان چیز خاصی از آن ساخت.»

در مورد جنبه‌های بصری هفت می‌گوید: «این اولین فیلمی بود که طی ساختنش دریافتیم سینما چه می‌تواند باشد و چگونه می‌توان با دوربین کار کرد. تصور نمی‌کردم کمپانی نیولاین پشت سر اثر قرار بگیرد و آن را به جایی برساند که اکنون رسانه فکر می‌کردم فیلم کوچکی در یک زائر جاذبه می‌سازم. مثل فیلمی که احتمالاً ویلیام فریدکین باید پس از جن‌گیر می‌ساخت. اثری برای گروه

امی توویس در سایت دس‌سپند ژانویه ۱۹۹۶، به بهانه نمایش عمومی هفت درباره دیدگاه‌ها و احساسات فینچر جوان در اوج زندگی حرفه‌ای‌اش با او گفت‌وگو کرده است.

دیوید فینچر صراحتاً می‌گوید علاقه‌ای به گفت‌وگو ندارد و تأکید می‌کند پس از ساختن بیگانه ۳ فقط سه‌بار مصاحبه کرده. آن هم به این دلیل که بخش‌کننده‌های فیلمش هشدار داده بودند که اگر فیلم با شکست مواجه شود، مستی‌اش اوست. نتیجه، برخورد سرد فینچر با ژورنالیست‌ها بوده است. می‌گوید پس از نمایش هفت فقط دو بار مصاحبه کرده که یکی از آن‌ها تلفنی بوده. اما اکنون با توفیق بی‌حصر هفت می‌تواند از پاسخ به پرسش‌ها طفره رود.

فینچر که در اواسط دهه ۸۰ سی زندگی‌اش به سر می‌برد در کالیفرنیا به دنیا آمده و خیلی زود شیفته فیلم و سینما شد. هرگز به مدرسه سینما نرفته و به جایش در یک مرکز انیمیشن مشغول به کار شده است. مدتی با کمپانی «اینداستریال لایت اند میچیک» برای جرج لوکاس همکاری کرد و سپس به ساختن کلیپ‌های تبلیغاتی و موسیقی پرداخت. او یکی از باتیال استودیوی